



درک ماهیت چندبعدی تقلب: تحلیلی بر نظریه‌ها و مدل‌های معاصر

زهرا طاهری^۱

استادیار گروه مدیریت گردشگری، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران

سعبده نظری

دانشجوی دکتری، دانشکده حسابداری و علوم مالی، دانشکدگان مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران
(تاریخ دریافت: ۱۴ اسفند ۱۴۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱ مرداد ۱۴۰۴)

هدف: بررسی و کشف تقلب، نیازمند دانش کامل در مورد ماهیت تقلب و نحوه ارتکاب و کتمان آن است. هدف این پژوهش مرور اجمالی انواع تئوری‌ها و مدل‌های تقلب موجود در ادبیات است.

روش: در این پژوهش با استفاده از مرور مطالعات آرشیوی، سعی شده است برخی از انواع مدل‌ها و تئوری‌های مطرح شده در این حوزه به طور اجمالی مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد.

یافته‌ها: ادبیات نشان می‌دهد که هیچ مدل واحدی نمی‌تواند برای تمامی شرایط مناسب تلقی شود. مدل‌های موجود باید به روز شوند و با پیشرفت‌های فعلی در این زمینه و اقدامات متقلبانه اخیر، سازگار شوند. باید توجه داشت درک ماهیت چند بعدی تقلب، کلید پیشگیری و کشف آن است.

دانش افزایی: در این پژوهش سعی شده است انواع مدل‌ها و تئوری‌های مطرح شده در خصوص موضوع تقلب را که در ادبیات رشته حسابداری و حسابرسی و سایر رشته‌ها از جمله حوزه روانشناسی وجود دارد را از نظر گذارنده و نگرشی جامع تر و تصویری روشنتر در این حوزه ایجاد کند.

واژه‌های کلیدی: تئوری‌های تقلب، مدل‌های تقلب، مدل اسکور، مدل اسکور توسعه‌یافته.

^۱ zahrataheri@ut.ac.ir

مقدمه

هزاران سال پیش برای شناسایی معامله‌گران مورد اعتماد از ابزارهای بیومتریک ابتدایی استفاده می‌شده است [۷۰]. بنابراین می‌توان استنباط کرد که معامله‌گران و افراد متقلب و غیرقابل اعتماد بازار از زمانی که انسان شروع به تجارت کرده است وجود داشته‌اند. آدام اسمیت [۶۲] نیز یکی از کاستی‌های شرکت‌های مدرن را فرسایش ارزش متعلق به سهامداران به دلیل اتلاف ناشی از تقلب و سوء استفاده می‌دانست. امروزه مجامع قانون‌گذار و حرفه حسابداری و مدیریت توجه ویژه‌ای به علل بروز تقلب و راههای پیشگیری و مقابله با آن دارند [۳]. انجمن حسابداران خبره آمریکا (AICPA) و انجمن حسابداری آمریکا (AAA) هر دو بر این باورند که تقلب امری است که همواره می‌تواند وجود داشته باشد و کاهش آن منوط بر آن است که تمامی ارکان سازمان به خصوص مدیریت عزم جدی برای مقابله با آن داشته باشند [۵]. بروز تقلب‌های بزرگ در سالهای اخیر موجب ایجاد سوء ظن به حسابرسان شده است چرا که این باور وجود دارد حسابرسان در ایفای نقش خود در حمایت از منافع جامعه کوتاهی کرده اند [۱]. حال آنکه کشف تقلب با دشواری‌های زیادی همراه است و نیاز به اجرای سازوکارهایی برای بهبود گزارشگری مالی و جلوگیری از تقلب دارد [۲].

تنها چیز ثابت در تقلب، "تغییر" است، زیرا تقلب دارای یک فرآیند پویای چندلایه‌ای است و به رویه‌های شرکت نفوذ می‌کند. افرادی که مرتکب تقلب می‌شوند، همیشه روش‌های جدیدی برای این کار پیدا می‌کنند و ردپای خود را می‌پوشانند. در نتیجه، مقابله با تقلب، یک رویه طولانی و پیچیده است که نیازمند درک عمیق هم از دلایل وقوع آن و هم راه‌هایی است که می‌توان آن را کاهش داد. از این رو ووسیتاس [۶۶] مقابله با تقلب را به مبارزه با اژدهای هفت سر تشبیه می‌کند. در ادبیات حوزه تقلب چندین مدل معرفی شده‌اند که سعی دارند عواملی که افراد را به سمت و سوی ارتکاب تقلب سوق می‌دهد، شناسایی کنند و از این مسیر درک عمیق‌تر از شرایط و محیط‌هایی که در آن تقلب روی می‌دهد به وجود آورند. در این مقاله به طور بسیار خلاصه به برخی از متداول‌ترین و پذیرفته‌شده‌ترین تئوری‌ها و مدل‌های موجود در حوزه تقلب پرداخته خواهد شد.

مرور ادبیات

تئوری‌های تقلب

تئوری‌های بسیاری سعی بر توضیح ابعاد مختلف تقلب داشته‌اند که هر کدام مفاهیم گسترده‌ای را در برمی‌گیرند. اما در این پژوهش برای ارائه‌ی دقیق‌تر و مختصرتر مفاهیم، نکات اصلی در این خصوص در جدول زیر به اختصار بیان شده‌اند.

جدول ۱: تئوری‌های تقلب

تئوری	محور تمرکز در تئوری
تئوری انتخاب منطقی	این نظریه بیان می‌کند که مجرمان سود خالص فعالیت مجرمانه پیش‌بینی شده را در مقابل اعمال قانونی تحلیل می‌کنند. حیاتی‌ترین جنبه این رویکرد در فرآیند فکری افراد نهفته است [۲۵، ۴۹]. سه شرط اساسی برای وقوع تقلب در این نظریه شامل مرتکبین با انگیزه، اهداف مناسب و عدم حضور سرپرستان صالح است [۲۲].

<p>کولبرگ [۴۷] در این نظریه شش مرحله تکاملی را معرفی می‌کند که از خودخواهی محض در مراحل ابتدایی (دیدگاه خودمحور) تا پیروی از اصول اخلاقی جهانی در مراحل انتهایی (سطح پسامتعارف) را شامل می‌شود. این نظریه نشان می‌دهد که بین رشد اخلاقی و قانون‌شکنی رابطه معناداری وجود دارد و افرادی که قانون را زیر پا می‌گذارند، ظرفیت ذهنی کمتری دارند [۴۹].</p>	<p>تئوری های تصمیم گیری رشدی و اخلاقی</p>
<p>این نظریه بر ارتباط متقابل و محوری بین افراد، تعاملات و محیط اطراف تأکید دارد [۱۵]. برای تبیین رفتارهای مجرمانه، این نظریه عوامل متعددی از جمله عوامل اجتماعی، فکری، مربیان و فرد الگو (بُت) را ترکیب می‌کند [۵۳]. طبق این نظریه، یادگیری اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که فرد شاهد مشارکت یک الگو در فعالیت متقلبانه باشد [۱۶].</p>	<p>تئوری یادگیری اجتماعی</p>
<p>این نظریه سه متغیر اساسی مورد نیاز برای ارتکاب جرم با تماس مستقیم را توصیف کرد [۲۶]. این تئوری شامل سه مثلث درهم‌تنیده است: مثلث درونی (مجرم احتمالی، هدف و صحنه جرم)، مثلث میانی (ناظران مانند گردانندگان و مدیران) و مثلث بیرونی (ابریکنترل‌کننده‌ها). برای جلوگیری از جرم باید حداقل یکی از این عناصر حذف شود [۲۶، ۵۷].</p>	<p>تئوری مثلث جرم فعالیت معمول</p>
<p>این نظریه از روانشناسی محیطی بیان می‌کند که محرک های محیطی خارجی می‌توانند بر وضعیت عاطفی فرد تأثیر بگذارند و رفتار خاصی را تشویق یا مهار کنند [۵۴، ۷۱، ۷۴]. این نظریه با نظریه یادگیری اجتماعی همپوشانی دارد زیرا هر دو محیط را به عنوان مربی اصلی رفتار انسان در نظر می‌گیرند [۲۲].</p>	<p>تئوری محرک- موجود زنده-پاسخ</p>
<p>این نظریه‌های تأثیرگذار که توسط آجزن [۹] و آجزن و فیشبین [۱۰] از حوزه روانشناسی اجتماعی معرفی شدند، بر این باورند که رفتار فردی نتیجه طراحی آگاهانه است. این نظریه دو ساختار اصلی دارد: "نگرش نسبت به رفتار" که به احساسات مثبت یا منفی فرد درباره انجام رفتار هدف اشاره دارد، و "هنجار ذهنی" که بیانگر ادراک فرد از دیدگاه افراد مهم پیرامونش درباره انجام یا عدم انجام آن رفتار است.</p>	<p>تئوری عمل منطقی و رفتار برنامه ریزی شده</p>
<p>این نظریه که توسط هیرشی [۴۲] ارائه شده، برخلاف سایر نظریه‌های جرم‌شناسی، فرض می‌کند که انسان‌ها ذاتاً با تمایلات هدونیستی و خودخواهانه متولد می‌شوند. بنابراین به جای بررسی علل ارتکاب جرم، باید به این پرسش پاسخ داد که چرا اکثر افراد مرتکب جرم نمی‌شوند. هیرشی معتقد است پاسخ در پیوندهای چهارگانه افراد با جامعه نهفته است: دلبستگی، تعهد، مشارکت و باور، که این پیوندها تمایل به رفتار مجرمانه را کاهش می‌دهند [۴۲].</p>	<p>تئوری کنترل اجتماعی</p>

<p>گوتفردسون و هیرشی [۴۰] در این نظریه "عدم وجود اراده" را به عنوان ویژگی اصلی فردی که فعالیت متقلبانه را انجام می‌دهد، معرفی می‌کنند. در این رویکرد، جرم و تقلب به عنوان ناتوانی فرد در به تعویق انداختن نیازهای فوری برای ارضای آنی تعریف می‌شود.</p>	<p>تئوری عمومی جرم</p>
<p>بولونیا و لیندکوئیست [۱۷] در این نظریه ادعا می‌کنند که تهدید تقلب به دو دسته عوامل بستگی دارد، ساختارهای داخلی سازمان (شامل ساختار مدیریت، منابع مالی، اهداف سازمانی و وضعیت فنی) و عوامل رفتاری ضمنی (مانند نگرش‌ها، ارزش‌ها و عواطف). این نظریه تقلب مالی را همانند کوه یخی می‌داند که تنها نوک آن قابل مشاهده است. بر اساس تئوری کوه یخ، انگیزه تقلب حسابداری به مکانیسم‌های کنترل داخلی و همچنین به وجود فشار مالی مرتبط است که نیاز به در نظر گرفتن نگرش‌ها، احساسات، ارزش‌ها و سایر عناصر دارد [۴۵].</p>	<p>تئوری کوه یخ</p>
<p>این نظریه بر چگونگی پیشگیری از جرم از طریق مجازات تمرکز دارد. طبق این نظریه، اعمال تحریم‌های قانونی خاص، شدید و فوری می‌تواند افراد را از ارتکاب فعالیت‌های غیرقانونی باز دارد. انسان‌ها اگرچه می‌توانند غیرمنطقی باشند، اما نسبت به هزینه‌ها و مزایای احتمالی رفتار متقلبانه محتاط هستند [۲۵، ۵۸].</p>	<p>تئوری بازدارندگی</p>
<p>این نظریه چهار بعد اصلی شامل نگرش به تقلب، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتاری درک شده و تعهد اخلاقی دارد. اگرچه این نظریه مختص حوزه تقلب نیست، اما از آنجا که اعمال متقلبانه رفتارهای برنامه‌ریزی شده و ارادی هستند، در تحقیقات مالی کاربرد دارد [۶۰].</p>	<p>تئوری رفتار برنامه ریزی شده فیشبن و آژن</p>
<p>این نظریه بیان می‌کند که مدیران ممکن است به جای منافع سهامداران، منافع شخصی خود را در اولویت قرار دهند و حتی به تقلب روی آورند [۴۴]. [۶] تئوری مباشرت اما نسبت به تئوری نمایندگی دیدگاه تعامل‌گرایانه تری را ارائه می‌دهد و مدیران را به عنوان مباشرانی می‌داند که منافع شرکت را بر منافع شخصی مقدم می‌دارند [۳۳، ۶].</p>	<p>تئوری نمایندگی و تئوری مباشرت</p>
<p>این نظریه با ترکیب نظریه‌های نمایندگی، مباشرت و مثلث تقلب، تقلب مدیران را به عنوان نقض اعتماد ذینفعان به مدیران ارشد اجرایی می‌داند [۱۲، ۶].</p>	<p>تئوری اعتماد شکسته شده</p>
<p>مرتون [۵۵] در این نظریه استدلال می‌کند که فشار سنگین برای دستیابی به موفقیت‌های مالی، همراه با بی‌توجهی به روش‌های قانونی کسب آن، باعث افزایش تمایل به ناهنجاری در جامعه می‌شود. این نظریه در تعریف جرم، محیط فرهنگی و اجتماعی افراد نیز در نظر می‌گیرد [۶].</p>	<p>تئوری شرایط ناهنجاری</p>

تئوری رویای آمریکایی جرم	آدامز [۸] این نظریه را در تکمیل تئوری شرایط ناهنجاری ارائه کرد. این نظریه علاوه بر تأکید بر تعقیب موفقیت‌های مالی، به نقش ویژگی‌های خاص سازمان‌های بزرگ در ایجاد فشار برای وقوع تقلب می‌پردازد و توضیح می‌دهد که چگونه سازمان‌های غیراقتصادی و خانواده‌ها نیز به سمت اقتصادی شدن حرکت می‌کنند [۶، ۲۳].
-----------------------------	--

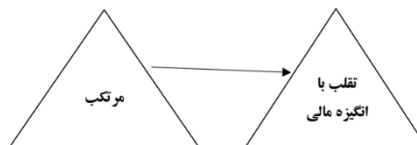
منبع: نویسندگان

مدل های تقلب

در ادبیات موجود پژوهشگران با رویکردهای متفاوت تلاش کرده‌اند مفهوم پیچیده تقلب را مدلسازی کنند که در ادامه به اختصار به برخی از این مدل‌ها پرداخته خواهد شد.

مدل مثلث تقلب و مثلث تقلب جدید

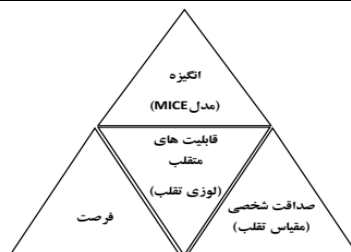
قبل از طرح نظریه مثلث تقلب، باوری وجود داشت که معتقد به جدایی مجرم از عمل مجرمانه بود. به این معنی که ارتباطی بین ویژگی‌های فرد متقلب و تقلب وجود ندارد [۳۴].



بعدها پژوهشگران به وجود رابطه احتمالی پی برده و نظریه مثلث تقلب مطرح شد. این مدل که اولین بار توسط کریزی [۳۰] مطرح شده است، پذیرفته‌ترین مدل برای توضیح چرایی ارتکاب تقلب است. کریزی تحقیقات خود را بر اختلاسگران متمرکز کرده بود و آنها را «ناقص اعتماد» می‌نامید. وی معتقد بود سه عاملی که زمینه را برای بروز تقلب فراهم می‌کنند فشار (انگیزه)، فرصت و توجیه هستند.



کاسم و هیگسون [۴۶] مدل مثلث تقلب جدید را ارائه کردند که چندین مدل از جمله مدل MICE، مثلث تقلب، مقیاس تقلب و الماس تقلب را به عنوان بسط مدل مثلث تقلب کریزی در هم ادغام می‌کند (به شرح هر کدام پرداخته خواهد شد).



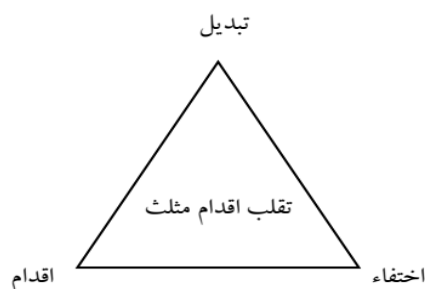
رئیس کل بیمه مرکزی ایران در سال ۱۳۹۷ اعلام کرد که ۲۰ درصد از خسارت‌های بیمه بدنه و شخص ثالث ماهیت متقلبانه دارد. در این زمینه الکترونیکی کردن صدور بیمه شخص ثالث به عنوان راهکاری برای کاهش فرصت‌های تقلب اتخاذ شد [۴]. این نشان می‌دهد چگونه با تمرکز بر عناصر کلیدی مدل‌های تقلب می‌توان به کاهش تقلب کمک کرد.

مثلث تقلب سازمانی و مثلث اقدام تقلب

فری و همکاران [۳۶] تئوری مثلث تقلب سازمانی را پس از مطالعه جامع شرکت انرون معرفی کردند. سه جزء اصلی این مثلث شامل رهبری کاریزماتیک، کنترل‌های مدیریتی و فرهنگ مجاز است. این مدل نشان می‌دهد چگونه فرهنگ سازمانی که توسط مهارت مدیرعامل حمایت می‌شود، می‌تواند بر کنترل‌های مدیریتی غلبه کند.

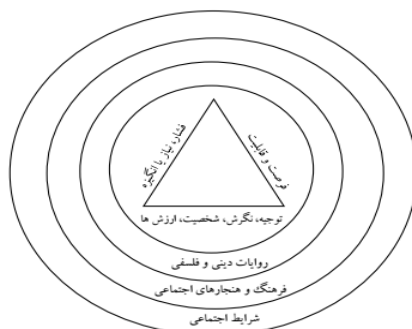


مثلث اقدام تقلب از سه عنصر اساسی تشکیل شده است. این عناصر شامل اقدام (اجرا و روش‌شناسی تقلب)، اختفاء (پنهان‌سازی عمل تقلب) و تبدیل (تبدیل منافع حاصل از تقلب به شکلی ظاهراً مشروع) می‌باشد [۳۴]. اهمیت این چارچوب در توانایی آن برای مستندسازی شواهد و شناسایی نقاط کنترلی است.

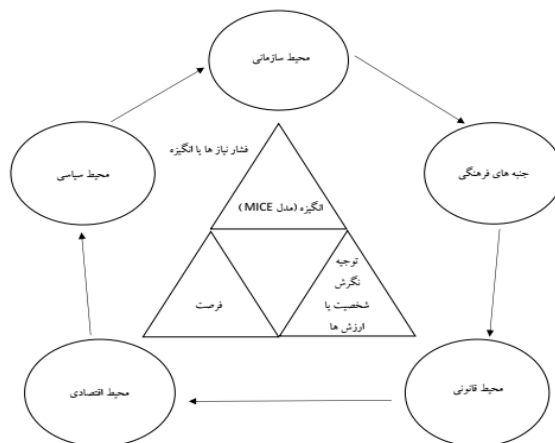


مدل مثلث تقلب بین المللی

دو نوع مثلث تقلب بین المللی در ادبیات مشاهده شده است. سیسلویز [۲۵] مدلی ارائه داد که در آن عوامل سطح اجتماعی با عوامل تقلب ترکیب شده‌اند. مثلث تقلب درون سه لایه متحدالمرکز قرار می‌گیرد که نمایانگر سنت‌های دینی و فلسفی، فرهنگ و هنجارهای اجتماعی، و شرایط اجتماعی هستند و بر سه عنصر اصلی مثلث تقلب تأثیر می‌گذارند [۲۵].



چلیاتسیدو و همکاران [۲۰] نوع دیگری از مثلث بین‌المللی تقلب را ارائه کردند که تقلب را به عنوان پدیده‌ای چندبعدی در نظر می‌گیرد که باید در بافت اجتماعی، قانونی، سیاسی و اقتصادی درک شود [۲۸]. در این مدل اعتقاد بر این است که توجه‌های فرهنگی تأثیر قابل توجهی بر احتمال وقوع تقلب در فرهنگ‌های مختلف دارند [۱۱].

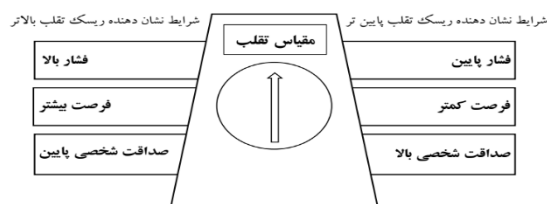


مدل همزیستی مثلث تقلب و مثلث جرم

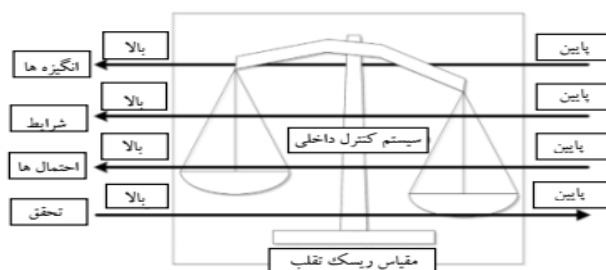
این مدل که منسوب به میلی [۵۱] است، مثلث جرم را مکمل مدل مثلث تقلب تلقی می‌کند. تمرکز مدل مثلث تقلب بر محور مرتکب متقلب (سطح خرد) است و مثلث جرم سعی بر گسترش این دیدگاه به سطحی کلان دارد [۵۱].

سنجه تقلب

دو مدل سنجه تقلب در ادبیات مطرح شده است. آلبرچ و همکاران [۱۳] بر این باور بودند که احتمال یک اقدام متقلبانانه را می‌توان با ارزیابی نیروهای نسبی فشار، فرصت و صداقت شخصی ارزیابی کرد. این مدل که درستکاری شخصی را جایگزین توجیه (در مثلث تقلب) می‌کند، به طور خاص برای تقلب در صورت‌های مالی کاربرد دارد، که در آن منابع فشاربهرتر قابل مشاهده هستند. لازم به ذکر است مزیت استفاده از صداقت شخصی این است که صداقت یک فرد را می‌توان از رفتار گذشته استنباط کرد [۳۴].



سنجه تقلب دیگری که به وسیله ماکوسیوس و گیریناس [۵۰] ارائه شده است، از مربع تقلب توسط برسلر و برسلر [۱۹] الگو گرفته است. اجزای این مدل سنجه تقلب جدید همان اجزای مدل مربع تقلب است که به نظر این پژوهشگران همگی ارتباط نزدیکی با سیستم کنترل داخلی دارند. برتری این مدل نسبت به مدل مربع تقلب در این است که می‌تواند مشخص کند که چه زمانی ریسک بالای اجرای تقلب وجود دارد. توجه به این نکته ضروری است که هر یک از عناصر تأثیر یکسانی بر نتیجه ترازو دارند، اما یکی از عناصر (تحقق) تأثیر معکوس بر ارزیابی دارد. با این حال، مهم‌ترین عنصر مقیاس ریسک تقلب به جای عناصر منعکس شده در مربع تقلب، کنترل‌های داخلی است [۵۰].



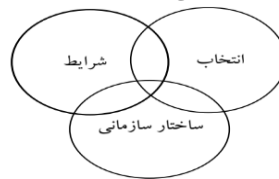
مدل گون (GONE)

مدل گون که توسط بولوگوا و همکاران [۱۸] معرفی شده است، عوامل مؤثر در تقلب را در چهار دسته اصلی تبیین می‌کند. در این مدل، عامل حرص به ویژگی‌های شخصیتی و اخلاقی افراد و نقش آنها در رفتار و شناخت مرتبط می‌شود که بر احتمال تقلب شرکتی تأثیرگذار است [۷۲]. عامل فرصت به ساختار مالکیت و مکانیسم‌های کنترل داخلی اشاره دارد که در شرکت‌های با حاکمیت شرکتی قوی‌تر، محدودکننده فرصت‌های تقلب است [۲۱]. عامل نیاز به انگیزه‌های اقتصادی مدیران از جمله بهبود عملکرد عملیاتی، رعایت تعهدات بدهی و حفظ موقعیت در بازار سرمایه مربوط می‌شود [۳۲، ۶۳]. عامل در معرض

قرار گرفتن نیز به احتمال کشف تقلب و شدت مجازات‌های مرتبط با آن اشاره دارد که رابطه معکوسی با احتمال وقوع تقلب دارد [۷۲].

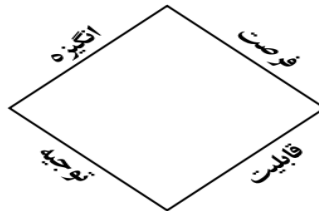
مدل سه عامل (۳ع)

رضایی [۶۱] چارچوبی جامع برای درک عوامل مؤثر بر تقلب در گزارشگری مالی ارائه داد که شامل سه عنصر کلیدی است: شرایط (انگیزه‌ها و فشارهای منجر به تقلب)، ساختار شرکت، و انتخاب. در این مدل، ساختار شرکتی با ویژگی‌هایی چون پرخاشگری، تکبر، انسجام، وفاداری و اعتماد کورکورانه می‌تواند محیطی را ایجاد کند که احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را افزایش دهد.

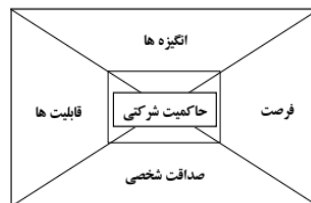


نظریه لوزی تقلب (الماس تقلب):

دو نوع لوزی تقلب در ادبیات مطرح گردیده است. ولف و هرمنسون [۶۹] با افزودن عنصر "استعداد" به مثلث تقلب، مدلی را مطرح کردند که بر اهمیت ویژگی‌ها و توانایی‌های شخصیتی فرد در احتمال وقوع تقلب تأکید می‌کند. به عقیده آنها، اگرچه فرصت مسیر تقلب را هموار می‌کند و انگیزه (فشار) و توجیه فرد را به سمت آن سوق می‌دهند، اما توانایی تشخیص و بهره‌برداری مکرر از فرصت‌ها نقشی کلیدی در موفقیت عمل متقلبانه دارد [۴۶]. این توانایی شامل ترکیبی از ویژگی‌های فردی مانند موقعیت، هوش، خودمحوری، قدرت متقاعدسازی، مهارت در فریب و توانایی کنترل استرس است [۶۹].

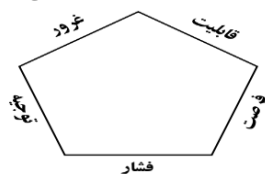


در توضیح دومین مدل لوزی تقلب گبگی و آدبیزی [۳۸] بیان می‌کنند که حسابداران باید بتوانند همه الگوهای تقلب را در نظر بگیرند تا قادر به درک علت تقلب باشند. از نظر آنها همه مدل‌های تقلب بسطی از مدل لوزی تقلب هستند که در الگویی شامل؛ انگیزه، فرصت، کمال شخصی، قابلیت و حاکمیت شرکتی توضیح داده می‌شوند.

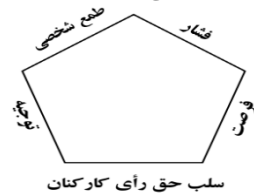


مدل پنج ضلعی تقلب

چهار نوع مدل از پنج ضلعی تقلب در ادبیات مطرح شده است. مارکس [۵۲] مدلی را معرفی کرد که شامل عناصر فشار، فرصت، عقلانیت، توانایی و تکبر است. این مدل چارچوبی برای ارزیابی آسیب‌پذیری سازمان‌ها در برابر تقلب و شناسایی رفتارهای غیراخلاقی احتمالی کارکنان ارائه می‌دهد. ووسیناس [۶۶] بر نقش خودشیفتگی در تقلب تأکید می‌کند و استدلال می‌کند که افراد خودشیفته به دلیل تمایل به تسلط و محافظت از غرور خود، بیشتر مستعد ارتکاب تقلب هستند. این دیدگاه تقلب را محصول دستکاری ذهنی فرد می‌داند که منجر به تقویت احساس تسلط در فرد متقلب می‌شود [۴۳].



همچنین گلدمن [۳۹] دو بعد طمع شخصی و سلب حق رأی کارکنان را به مثلب تقلب افزوده و به این نحو توسعه‌ای در تئوری پنج ضلعی تقلب ایجاد می‌کند [۳۵].



توگاس [۶۵] نیز توسعه‌ای دیگر در مدل پنج ضلعی تقلب پیشنهاد می‌کند و عنصر "نفوذ نظارتی خارجی" را اضافه می‌کند. به نظر توگاس [۶۵] نظارت خارجی در ضعیف‌ترین حالت خود نیز تأثیر زیادی بر احتمال وقوع تقلب خواهد داشت. نمونه‌ای قابل تأمل از ضعف نظارت خارجی در ایران، پرونده اختلاس ۱۰۰ میلیاردی در وزارت نفت است. متخلف در این پرونده، با ۳۱ سال سابقه خدمت، با بهره‌گیری از قابلیت‌های حرفه‌ای خود توانست به تدریج اختلاس را به نحوی انجام دهد که ردی از خود باقی نگذارد (عامل قابلیت). این تخلف تنها زمانی آشکار شد که سیستم نرم‌افزاری بخش اکتشافات وزارت نفت تغییر کرد، امری که ناکارآمدی نهادهای نظارتی مانند سازمان بازرسی کل کشور و دیوان محاسبات را در بررسی‌های سالیانه آشکار ساخت [۴].



سورونکه [۶۴] با افزودن عامل اخلاق شخصی، توسعه‌ای در مدل پنج ضلعی تقلب ایجاد کرد. بر اساس نتایج مصاحبه‌های او افراد با اخلاق شخصی بالا حتی در شرایط فشار نیز احتمالاً از ارتکاب تقلب خودداری

می‌کنند و افراد با اخلاق شخصی پایین، حتی در صورت عدم توانمندی فردی، به دنبال مشارکت با دیگران برای ارتکاب تقلب خواهند بود [۶۴].



تجزیه و تحلیل سیب-سبد-محصول (ABC)

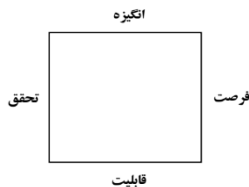
رامامورتی و همکاران [۵۹] با ارائه مدل A-B-C که بر سه عنصر سیب بد (فرد متقلب)، سبد بد (گروه‌های درگیر در تقلب)، و محصول بد (فرهنگ سازمانی و اجتماعی فاسد) متمرکز است، رویکردی پویا برای تحلیل و طبقه‌بندی تقلب معرفی کردند. طبق این مدل، افراد متقلب می‌توانند از طریق تبانی، گروه‌های خود را فاسد کنند و این فساد می‌تواند به سایر گروه‌ها سرایت کرده و نهایتاً فرهنگ کل جامعه را تحت تأثیر قرار دهد. این مدل به‌ویژه در توصیف جرایم یقه‌سفید که گاه به صورت موجی رخ می‌دهند، کاربرد دارد [۵۹].



رضایی و همکاران [۴] با اشاره به گزارش خبرگزاری ایرنا در سال ۱۳۹۷، به الگوی نگران‌کننده‌ای از گسترش فساد اقتصادی اشاره کرده‌اند. این پدیده با ظهور افرادی با عنوان "سلطان" در حوزه‌های مختلف اقتصادی (مانند جعل، کاغذ، تجهیزات پزشکی، قیر و سکه) نمود یافته است که با بهره‌گیری از شرایط نابسامان اقتصادی و ارزی (عامل فرصت)، اعتماد عمومی را خدشه‌دار کرده‌اند. این الگوی فساد که به تئوری اعتماد شکسته شده نیز اشاره دارد، مصداقی از مدل A-B-C است [۴].

مدل مربع تقلب

دو نوع مدل مربع تقلب نیز در ادبیات مطرح شده است. برسلر و برسلر [۱۹] در مدل پیشنهادی خود چهار عنصر را پیشنهاد کرده است که شامل؛ انگیزه، فرصت، قابلیت و تحقق است [۵۰]. طبق این مدل برای جلوگیری از تقلب باید روش‌هایی اعمال شود که سبب به تعویق افتادن اقدامات متقلبانه بالقوه شود.

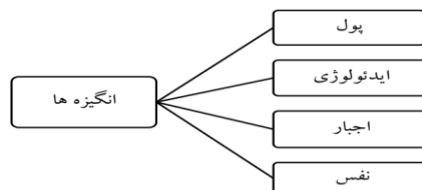


در مدلی دیگر که توسط سیسلویز [۲۴] معرفی شد، مفهوم تأثیرات اجتماعی به مثلث تقلب اضافه شد [۳۵]، و نوعی دیگر از مربع تقلب ارائه گردیده است.



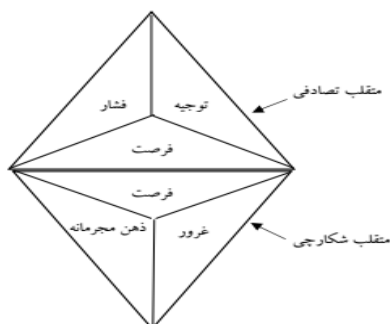
مدل تئوری مایس MICE

کرانچر و همکاران [۴۸] با بسط بُعد فشار در مثلث تقلب، مدل MICE را ارائه کردند که شامل؛ پول، ایدئولوژی، اجبار و نفس است. محرک‌های ایدئولوژیک ابزارهایی را توجیه می‌کنند که افراد با استفاده از آن‌ها می‌توانند در یک عمل متقلبانه شرکت کنند تا به مزیت بزرگ‌تری دست یابند که با باورهای آنها (ایدئولوژی آنها) سازگار است. اجبار زمانی اتفاق می‌افتد که ممکن است افراد ناخواسته به یک طرح متقلبانه کشیده شوند (این افراد می‌توانند به افشاگر تبدیل شوند) و در نهایت عامل نفس (هویت) که می‌تواند انگیزه‌ای برای تقلب باشد [۵۹، ۲۷، ۳۴].



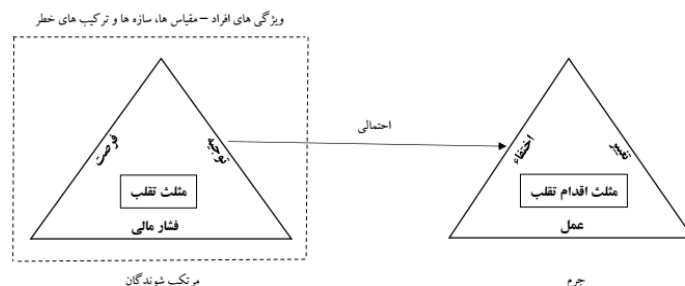
مدل متقلب شکارچی و متقلب تصادفی

این مدل دو نوع متقلب شامل متقلب تصادفی و متقلب شکارچی را توصیف می‌کند. متقلب تصادفی معمولاً فردی قانونمند است که تحت فشار مشکلات مالی غیرقابل اشتراک، و در حضور فرصت و توجیه مناسب، به تقلب روی می‌آورد [۵۹] اما متقلب شکارچی از ابتدای ورود به سازمان، به دنبال فرصت‌های تقلب است. کریزی [۲۹، ۳۰] مشاهده کرد که تضاد اخلاقی درونی متقلبان، به‌ویژه در تقلب‌های طولانی‌مدت، معمولاً موقتی است و توجیه‌های اولیه به تدریج کنار گذاشته می‌شوند. این الگو در گزارشگری مالی متقلبانه نیز مشهود است، که متقلبان تصادفی اغلب با مدیریت سود آغاز می‌کنند، اما به تدریج به سمت تقلب آشکار در گزارشگری مالی و تبدیل شدن به متقلب شکارچی پیش می‌روند [۳۴].



فرامدل جرم یقه‌سفیدها

دورمینی و همکاران [۳۴] با معرفی فرامدل تقلب، گامی فراتر از توصیف صرف عوامل تقلب برداشتند و ارتباط متقلب با عمل تقلب را مورد واکاوی قرار دادند. این مدل با پیوند دادن مثلث تقلب به مثلث جرم، چارچوبی جامع برای کاهش احتمال وقوع تقلب ارائه می‌دهد. بر اساس این مدل، اقدامات ضد تقلب در سه سطح پیشگیری (از طریق کاهش فرصت‌ها)، بازدارندگی (با ایجاد محیط‌های کم‌خطر) و کشف قابل طبقه‌بندی هستند. اهمیت این مدل در قابلیت آن برای شناسایی و آزمون ویژگی‌های مؤثر بر بردار تقلب است [۷].



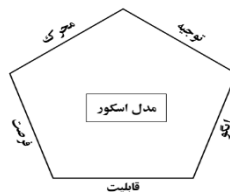
مدل تقلب مبتنی بر تمایل

یک مدل کامل از رفتار انسانی باید دو عنصر متقابل شامل عامل و محیط را در نظر گرفته باشد، این مدل تقلب مالی را به عنوان یک عمل افراطی در نظر می‌گیرد که در آن افراد با افراط در یک وسوسه اخلاقی مرتکب تقلب می‌شوند. با توجه به مدل تقلب مبتنی بر تمایل تقلب زمانی آشکار می‌شود که تعاملی بین دو شرایط وجود داشته باشد. یکی حضور نشانه‌هایی که وسوسه اخلاقی موجود و دیگری شخصیت بازیگر را نشان می‌دهد [۶۰].

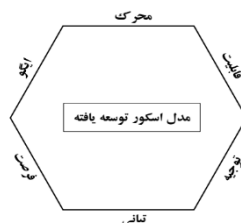
مدل اسکور (S.C.O.R.E.) و اسکور توسعه یافته (S.C.C.O.R.E.)

ووسیتاس [۶۶] برای به‌روزرسانی مدل‌های موجود و بر پایه ادبیات موجود مدل اسکور را معرفی می‌کند. این مدل شامل پنج عنصر محرک، قابلیت، فرصت، توجیه و ایگو است. چهار عنصر اول مدل از الماس تقلب سرچشمه می‌گیرد که پیشتر به آن پرداخته شده است. در توضیح عنصر ایگو نیز باید به ایده‌های

روانکاوانه فروید [۳۷] که بر رشد اولیه کودکی و انگیزه‌های ناخودآگاه متمرکز است، یعنی انگیزه‌هایی که خود مجرم از آنها آگاه نیست، اشاره شود. به عقیده فروید، ایگو بخشی از شخصیت است که به ما کمک می‌کند با میانجی‌گری بین خواسته‌های اید، سوپر ایگو و محیط، با واقعیت مقابله کنیم. ایگو مانع از آن می‌شود که به هر انگیزه‌ای که داریم (که این انگیزه توسط اید تولید می‌شود) عمل کنیم.



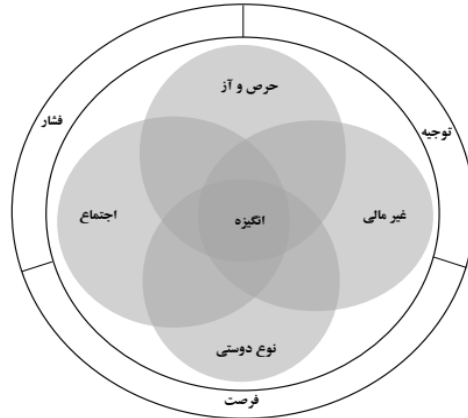
مدل اسکور توسعه‌یافته با افزودن عنصر "تبانی" به مدل اصلی اسکور، ایجاد شده است. این توسعه در پاسخ به این واقعیت بود که مثلث تقلب عمدتاً بر تقلب‌های فردی تمرکز داشت [۳۴]. در حالی که تقلب‌های عمده دهه‌های اخیر نشان داده‌اند که تبانی عنصری محوری در تقلب‌های پیچیده و پرهزینه است. تبانی می‌تواند به شکل‌های مختلف از طریق متقاعدسازی کارمندان صادق توسط افراد با شخصیت‌های قلدرمآبانه [۱۴]، یا به صورت غیرارادی از طریق گسترش فرهنگ غیرصادقانه در سازمان رخ دهد.



رضایی و همکاران [۴] با ارائه توضیحاتی در خصوص پرونده سلطان قیر، نمونه‌ای روشن از نقش محوری تبانی در تقلب‌های سازمان‌یافته را ارائه کردند. در این پرونده، تبانی بین متهم اصلی و یکی از رؤسای سابق شعب بانک ملی منجر به صدور ضمانت‌نامه‌های غیرمعتبر و جعلی برای خرید قیر شد.

نمودار ون مدل تقلب

کرامبلی و آریایل [۳۱] مدل نمودار ون برای تحلیل انگیزه‌های تداوم‌دهنده تقلب و فساد یقه‌سفیدها ارائه کردند. این مدل چهار انگیزه اصلی شامل طمع (منفعت شخصی)، اجتماعی، نوع‌دوستی و غیرمالی را شناسایی می‌کند. هیز و همکاران [۴۱] نشان دادند که طمع مدیریتی به تمرکز بر تصمیمات و عملکرد کوتاه‌مدت منجر می‌شود و انگیزه‌های اجتماعی همچون حفظ بقای شرکت یا حمایت از نیروی کار (موسوم به نوع‌دوستی مدیریتی) می‌تواند چالش‌های خاصی را برای مراجع قضایی ایجاد کند [۳۱].



رضایی و همکاران [۴] با بررسی پرونده سلطان اختلاس، نمونه‌ای از تعامل پیچیده عوامل مختلف تقلب را ارائه کردند. در این پرونده رئیس سابق شعبه تختی بانک تجارت کرمان به اختلاس ۶۵۰۰ میلیارد تومانی متهم شد. این تقلب عظیم در بستر غفلت بازرسی بانک تجارت (عامل فرصت) رخ داد و به تصاحب منابع کلان ملی در حدی انجامید که شناسایی کامل اموال متهم ناممکن شد (عامل حرص و آز). جنبه قابل توجه این پرونده، توجیه متهم مبنی بر "خیرخواهانه" بودن اقدامات خود و ادعای جلوگیری از تعطیلی واحدهای تولیدی است که نمونه‌ای از انگیزه‌های "نوع دوسنه" در توجیه عمل متقلبانه محسوب می‌شود [۴].

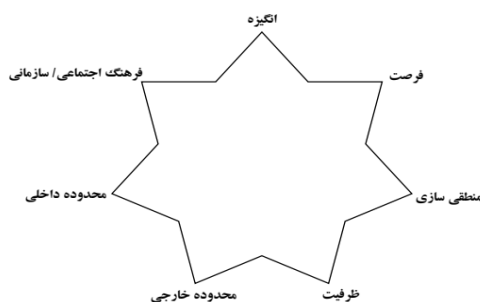
مدل اقدام موقعیتی (SAT)

یاسار [۷۳] در پژوهش خود به نقد استفاده از استعاره‌های هندسی در نظریه تقلب می‌پردازد که بیش از شش دهه مورد استفاده قرار گرفته‌اند. وی با ارائه مدلی مبتنی بر نظریه اقدام موقعیتی، ساختار چندبعدی و پیچیده تقلب را تبیین می‌کند که با استعاره‌های یک‌بعدی قابل توصیف نیست. این مدل نظری که در قالب یک فرمول ریاضی برای سنجش ریسک تقلب ارائه شده، برگرفته از نظریه ویکستروم [۶۷] است که با تلفیق رویکردهای جرم‌شناسی، علوم اجتماعی و رفتاری به تبیین علل جرم می‌پردازد. معادله اصلی این نظریه (جرم = تمایل × در معرض تقلب قرار گرفتن) بر این اصل استوار است که کنش‌های انسانی محصول فرآیند ادراک-انتخاب است که از تعامل فرد-محیط نشأت می‌گیرد [۶۷]. مطابق این نظریه، ارزش‌های اخلاقی و خودکنترلی به‌عنوان عوامل فردی و قوانین اخلاقی محیط و سطح اجرای آن‌ها به‌عنوان عوامل محیطی [۶۸] در شکل‌گیری یا پیشگیری از رفتار متقلبانه نقش دارند. در نهایت، مدل به صورت (تقلب = تمایل به تقلب × در معرض محیط جرم‌خیز قرار گرفتن) فرمول‌بندی می‌شود.

ستاره تقلب

مونتورده [۵۶] با معرفی مدل ستاره تقلب، چارچوبی هفت عنصری را ارائه کرد. این مدل علاوه بر عناصر شناخته شده پیشین چهار عنصر جدید شامل ظرفیت (اعتماد به نفس بیش از حد فرد برای ارتکاب تقلب)، محدوده خارجی و داخلی (مربوط به سطوح هنجارها، کنترل‌ها و مجازات‌های مؤثر)، و فرهنگ

اجتماعی/سازمانی (درک فرد متقلب از ناکارآمدی سیستم‌های کنترلی و نظارتی در سازمان‌های مختلف) را معرفی می‌کند [۵۶].



نتیجه گیری

ماهیت پویا و پیچیده تقلب چالش‌های متعددی را در شناخت و مقابله با آن ایجاد می‌کند. این پیچیدگی نه تنها کشف و اثبات تقلب را دشوار می‌سازد، بلکه موجب شده است هیچ مدل واحدی نتواند به‌طور جامع تمام ابعاد آن را پوشش دهد. با مرور کلی پیشینه نظری به این نتیجه می‌رسیم که هیچ مدل واحدی نمی‌تواند برای هر موقعیتی مناسب و جامع تلقی شود. مدل‌های موجود باید به روز شوند تا با پیشرفت‌های فعلی در این زمینه و حوادث متقلبانه روزافزون سازگار شوند. کوپر و همکاران [۲۸] نقد مهمی را مطرح می‌کنند بر این مبنای که تحقیقات حسابداری با پذیرش بی‌چون و چرای تعاریف قانونی تقلب، واقعیت‌های مهمی همچون تفاوت‌های قانونی، مقرراتی، تجاری و فرهنگی میان کشورها را نادیده می‌گیرند. همسو با دیدگاه یاسار [۷۳]، ضروری است تا با فراتر رفتن از محدودیت‌های مدل‌های هندسی تقلب، رویکردی جامع‌تر به این مسئله اتخاذ شود. تحلیل پیشینه پژوهش چند حوزه مهم را برای مطالعات آتی آشکار می‌سازد. بررسی فرآیند تحول متقلب تصادفی به متقلب شکارچی، با تمرکز بر تغییرات تدریجی که در این مسیر رخ می‌دهد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین مطالعه تأثیرات عمیق‌تر نهادینه شدن فرهنگ تقلب در جامعه (مفهوم "محصول بد" در مدل ABC) که تاکنون به‌طور جامع مورد مطالعه قرار نگرفته است، می‌تواند درک عمیق‌تری از پیامدهای اجتماعی تقلب ارائه دهد. علاوه بر این، بررسی نقش تفاوت‌های فرهنگی در شکل‌گیری و گسترش تقلب و تأثیر آن بر اثربخشی مدل‌های موجود می‌تواند به توسعه رویکردهای مؤثرتر در مقابله با تقلب کمک کند. باید گفت بی‌توجهی به پیچیدگی‌های تقلب می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیر مالی و فرهنگی برای جوامع به همراه داشته باشد. بنابراین، ضروری است با بهره‌گیری از دستاوردهای پژوهشگران پیشین، به واکاوی دقیق‌تر این معضل پرداخته شود.

فهرست منابع

۱. بیگی هرچگانی، اعظم، امیری، هوشنگ، و خدامرادی، محمد. (۱۴۰۳). "بررسی تأثیر هنجارهای تیم حسابرسی و تیپ‌های شخصیتی حسابرسان بر عینیت حسابرسی". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، ۱۱۳(۵۱)، ۱۹۵-۲۱۲.

۲. تیرگان، محمد، شیخ، محمدجواد، و رحیمیان امیری، محمدحسین. (۱۴۰۳). "اولویت بندی عوامل موثر بر اثربخشی کمیته حسابرسی". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، ۱۳(۵۱)، ۱۳۹-۱۶۲.
۳. جهانشاد، آریتا، و سرداری زاده، سپیده. (۱۳۹۳). "رابطه معیار مالی (اختلاف رشد درآمد) و معیار غیر مالی (رشد تعداد کارکنان) با گزارشگری مالی متقلبانه". **حسابداری و منافع اجتماعی**، ۴(۲)، ۱۸۱-۱۹۸.
۴. رضایی، ذبیح الله، رحمانی، علی، و منتی، وحید. (۱۴۰۱). **تقلب در صورت‌های مالی جلوگیری و کشف**، تهران، انتشارات دانشگاه الزهرا (س).
۵. عرب مازار، علی اکبر، صمدی لرگانی، محمود، و ایمنی، محسن. (۱۳۹۳). "الماس تقلب و مسئولیت مدیران و حسابرسان درقبال پیشگیری از تقلب". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، ۳(۱۲)، ۴-۱۷.
۶. مهرانی، کاوه، حصارزاده، رضا. (۱۳۸۷). "مروری بر تئوری‌ها و مدل‌های کشف تقلب". **دانش و پژوهش حسابداری**، (۱۵)، ۱۱-۶.
۷. نمازی، محمد، و حسینی نیا، سمیه. (۱۳۹۸). "تحلیل محتوای نظریه‌های تقلب مالی و ارائه فرآینگوی چندبعدی تقلب". **دانش حسابداری مالی**، ۶(۱)، ۱-۳۶.
8. Adams, J. T. (1931). **The Epic of America**, (London).
9. Ajzen, I. (1987). "Attitudes, traits, and actions: Dispositional prediction of behavior in personality and social psychology". **Social Psychology**, 20(1), 1-63.
10. Ajzen, I., & Fishbein, M. (1975). "A Bayesian analysis of attribution processes". **Psychological Bulletin Journal**, 82(2), 261.
11. Albrecht, C., Turnbull, C., Zhang, Y. and Skousen, C.J. (2010), "The relationship between South Korean chaebols and fraud", **Management Research Review**, 33 (3). 257-268.
12. Albrecht, W. S., Albrecht, C. C., & Albrecht, C. O. (2004). "Fraud and corporate executives: Agency, stewardship and broken trust". **Journal of Forensic Accounting**, (5)1, 109-130.
13. Albrecht, W. S., Howe, K. R., & Romney, M. B. (1984). "Deterring fraud: The internal auditor's perspective". The Institute of Internal Auditors' Research Foundation.
14. Allan, R. (2003). "Fraud-the human face of fraud: Understanding the suspect is vital to any investigation". **CA Magazine-Chartered Accountant**, 136(4), 39-40.
15. Bandura, A. (1971). "Vicarious and self-reinforcement processes". In R. Glaser (Ed.), **The nature of reinforcement** (pp. 228-278). Academic Press.
16. Bandura, A. (2001). "Social cognitive theory: An agentic perspective. **Annual Review of Psychology**, 52(1), 1-26.
17. Bologna, G. J., & Lindquist, R. J. (1995). **Fraud auditing and forensic accounting**. John Wiley & Sons.

18. Bologua, G. J., Lindquist, R. J., & Wells, J. T. (1993). **The accountant's handbook of fraud and commercial crime**. John Wiley and Sons Inc.
19. Bressler, M. S., & Bressler, L. A. (2007). "A model for prevention and detection of criminal activity impacting small business". **The Entrepreneurial Executive**, 12 (1), 23.
20. Cheliatsidou, A., Sariannidis, N., Garefalakis, A., Azibi, J., & Kagias, P. (2023). "The international fraud triangle". **Journal of Money Laundering Control**, 26(1), 106-132.
21. Chen, G., Firth, M., Gao, D. N., & Rui, O. M. (2006). "Ownership structure, corporate governance, and fraud: Evidence from China". **Journal of Corporate Finance**, 12(3), 424-448.
22. Chen, S., Yuan, Y., Luo, X., Jian, J., & Wang, Y. (2021). "Discovering group-based transnational cyber fraud actives: A polymethodological view". **Computers and Security**, 104(1), 102217.
23. Choo, F., & Tan, K. (2007). "An American Dream theory of corporate executive Fraud". **In Accounting forum** (31) 2, 203-215.
24. Cieslewicz, J. (2010). "The Fraud Square: Societal Influences on the Risk of Fraud". **In American Accounting Association Annual Meeting** (Vol. 31).
25. Cieslewicz, J.K. (2012), "The fraud model in international contexts: a call to include societal-level influences in the model", **Journal of Forensic and Investigative Accounting**, 4 (1).
26. Cohen, L. E., & Felson, M. (1979). "Social change and crime rate trends: A routine activity approach". **Urbana American Sociological Review**, 44(4), 588-608.
27. Coleman, J. W. (1987). "Toward an integrated theory of white-collar crime". **American Journal of Sociology**. 93(2): 406-439.
28. Cooper, D., Dacin, T., & Palmer, D. (2013). "Fraud in accounting, organizations and society: Extending the boundaries of research". **Accounting, Organization, and Society**, 38(6-7), 440-457.
29. Cressey, D. R. (1950). "The criminal violation of financial trust". **American Sociological Review** 15 (6): 738- 743.
30. Cressey, D. R. (1953). **Other People's Money: The Social Psychology of Embezzlement**. New York, NY: The Free Press.
31. Crumbley, D. L., & Ariail, D. L. (2020). "A different approach to detecting fraud and corruption: A Venn diagram fraud model". **Journal of Forensic and Investigative Accounting**, 12(2), 241-260.
32. Dechow, P. M., Ge, W., Larson, C. R., & Sloan, R. G. (2011). "Predicting material accounting misstatements". **Contemporary Accounting Research**, 28(1), 17-82.
33. Donaldson, L. & Davis, J. S. (1991). "Stewardship Theory or Agency Theory: CEO Governance and Shareholder Returns". **Australian Journal of Management**,(16) 1, 49-65.
34. Dorminey, J., Fleming, A. S., Kranacher, M. J., & Riley Jr, R. A. (2012). "The evolution of fraud theory". **Issues in accounting education**, 27(2), 555-579.

35. Free, C. (2015). Looking through the fraud triangle: a review and call for new directions". **Meditari Accountancy Research**, no. 23 (2), pp. 175–196.
36. Free, C., Macintosh, N., & Stein, M. (2007). "Management controls: The organizational fraud triangle of leadership, culture and control in Enron". **Ivey Business Journal**, 71(6), 1-5.
37. Freud, S. (1923). **The Ego and the Id**. The Standard Edition of the Complete Psychological Works of Sigmund Freud.
38. Gbegi, D. O., & Adebisi, J. F. (2013). "The new fraud diamond model—how can it help forensic accountants in fraud investigation in Nigeria". **European Journal of Accounting Auditing and Fiancé Research**. 1(4): 129-138.
39. Goldman, Peter D. (2010), **Fraud in The Markets: Why It Happens and How to Fight It**, John Wiley & Sons, New Jersey.
40. Gottfredson, M., & Hirschi, T. (1990). **A general theory of crime**. Stanford University Press.
41. Haynes, K. T., Josefy, M., & Hitt, M. A. (2015). "Tipping point: Managers' self-interest, greed, and altruism". **Journal of Leadership & Organizational Studies**, 22(3), 265-279.
42. Hirschi, T. (1969). **Causes of delinquency**. University of California Press..
43. Indriaty, L., & Thomas, G. N. (2023). "Analysis of Hexagon Fraud Model, the SCCORE Model Influencing Fraudulent Financial Reporting on State-Owned Companies of Indonesia". **Economics**, 11(s1), 73-92.
44. Jensen, M. C., & Meckling, W. H. (1976). "Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure". **Journal of financial economics**, (3)4, 305-360.
45. Jiang, W., & Cui, H. (2020). "The view on curbing financial fraud of listed companies". **In International Conference on Economic Management and Cultural Industry** (pp. 405- 409). Atlantis Press.
46. Kassem, R., Higson, A. (2012). "The New Fraud Triangle Model". **Journal of Emerging Trends in Economics and Management Sciences**, no. 3 (3), pp. 191–195.
47. Kohlberg, L. (1969). **Stage and sequence: The cognitive-developmental approach to socialization**. In D. Goslin (Ed.), *Handbook of socialization theory and research* (pp. 347- 480). Rand-McNally.
48. Kranacher, M. J., Riley, R., & Wells, J. T. (2010). **Forensic accounting and fraud examination**. John Wiley & Sons.
49. Lokanan, M. E., & Aujla, I. (2020). "Mapping the individual and structural theories of financial crimes". **Journal of Financial Crime**, 28(2), 420-432.
50. Mackevicius, J., & Giriunas, L. (2013). "Transformational research of the fraud triangle". **Ekonomika**. 92(4): 150.
51. Mailley, G. M. J. (2015). "A tale of two triangles: comparing the Fraud Triangle with criminology's Crime Triangle". **Accounting Research Journal**, 28 (1), pp. 45–58.
52. Marks, J. (2009). *Playing Offense in a High-risk Environment*. Crowe Horwath, New York.

53. McCombs, B. L., & Whisler, J. S. (1989). "The role of affective variables in autonomous learning". **Journal of Educational Psychology**, 24(3), 277-306.
54. Mehrabian, A., & Russel, J. A. (1974). **An Approach to Environmental Psychology**. Cambridge: MA: MIT Press.
55. Merton, R. K. (1938). "Social structure and anomie". **American sociological review**, (3)5, 672-682.
56. Monteverde, V. H. (2023). "New fraud star theory and behavioural sciences". **Journal of Financial Crime**, 30(4), 983-998.
57. Mui, G., & Mailley, J. (2015). "A tale of two triangles: Comparing the fraud triangle with criminology's crime triangle". **Accounting Research Journal**, 28(1), 45-58.
58. Pratt, T. C., Cullen, F. T., Blevins, K. R., Daigle, L. E., & Madensen, T. D. (2006). "The empirical status of deterrence theory: A meta-analysis". **Taking Stock**, 15(1), 367-395.
59. Ramamoorti, S., Morrison, D., & Koletar, J. W. (2009). Bringing Freud to Fraud: Understanding the state-of-mind of the C-level suite/white collar offender through "ABC" analysis. **Institute for Fraud Prevention (IFP) at West Virginia University**.
60. Raval, V. (2016). "A Disposition-based Fraud Model: Theoretical Integration and Research Agenda". **Journal of Business Ethics**. 1-23.
61. Rezaee, Z.-I.A. (2002), "The three Cs of fraudulent financial reporting", **Internal Auditor**, 59 (5), 56-62.
62. Smith, A. (1776). **An Inquiry into the Nature and Causes of the Wealth of Nations**. Chicago, IL: The University of Chicago Press.
63. Soltani, B. (2014). "The anatomy of corporate fraud: A comparative analysis of high profile American and European corporate scandals". **Journal of Business Ethics**, 120(2), 251-274.
64. Sorunke, Olukayode A. (2016), "Personal Ethics and Fraudster Motivation: The Missing Link in Fraud Triangle and Fraud Diamond Theories", **International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences**, 6(2), 159-165.
65. Tugan, F. (2012), "Exploring a new element of fraud: a study on selected financial accounting fraud cases in the world", **American International Journal of Contemporary Research**, 2 (6), 112-121.
66. Vousinas, G. L. (2019). "Advancing theory of fraud: the SCORE model". **Journal of Financial Crime**, 26(1), 372-381.
67. Wikström, Per-Olof H. (2004), **Crime as alternative: Towards a cross-level situational action theory of crime causation**. In Beyond empiricism (pp. 1-37). Routledge.
68. Wikström, Per-Olof H. (2010), **Explaining Crime as Moral Actions**, In S. Hiltin & S. Vaisey (Eds.), **Handbook of the Sociology of Morality** (211-239), Springer, New York.
69. Wolfe, D. and Hermanson, D. (2004), "The fraud diamond: considering the four elements of fraud", **The CPA Journal**, 38-42.

70. Woodward J. D., Jr., N. M. Orlans, and P. T. Higgins. (2003). **Biometrics: Identity Assurance in the Information Age**. Santa Monica, CA: McGraw-Hill.
71. Xiao, B., & Benbasat, I. (2011). Product-related deception in E-Commerce: A theoretical perspective". **MIS Quarterly**, 35(1), 169-196.
72. Xu, X., Xiong, F., & An, Z. (2023). "Using machine learning to predict corporate fraud: evidence based on the gone framework". **Journal of Business Ethics**, 186(1), 137-158.
73. YAŞAR, Ş. (2022). "A Critical Overview of the Geometry of Fraud and a Model Proposal within the Framework of Situational Action Theory". **Muhasebe ve Finansman Dergisi**, (93), 93-116.
74. Zhang, K. Z., & Benyoucef, M. (2016). "Consumer behavior in social commerce: A literature review". **Decision Support Systems**, 86(1), 95-108.



Understanding the Multi-Dimensional Nature of Fraud: An Analysis of Contemporary Theories and Models

Zahra Taheri¹©

Assistant professor, Department of Tourism Management, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran

Saeideh Nazari

Ph.D. Student, Department of Accounting, Faculty of Accounting and Financial Sciences, College of Management, University of Tehran, Tehran, Iran

(Received: March 04, 2025; Accepted: July 23, 2025)

Purpose: The investigation and detection of fraud require a thorough understanding of the nature of fraud and how it is committed and concealed. The objective of this research is to provide a concise overview of the various fraud theories and models existing in the literature.

Method: In this research, through an archival review, an attempt is made to briefly examine and analyze some of the prominent models and theories proposed in this field.

Findings: The literature indicates that no single model can be considered suitable for all circumstances. Existing models must be updated and adapted to current advancements in the field and recent fraudulent activities. It should be noted that understanding the multidimensional nature of fraud is the key to its prevention and detection.

Contribution: This research aims to review the various models and theories on the subject of fraud, as found in the literature of accounting, auditing, and other disciplines such as psychology, in order to create a more comprehensive perspective and a clearer picture in this domain.

Keywords: Fraud Theories, Fraud Models, Score Model, Developed Score Model.

¹ zahrataheri@ut.ac.ir© (Corresponding Author)